

در جنگ طبقاتی صلحی وجود ندارد

در مبارزه‌ی بین نیروی کار و سرمایه - کارگران و کارفرمایان - صلحی وجود ندارد. زیرا هدف شرکت‌ها و بنگاه‌ها تنها به دست آوردن و به حداکثر رساندن سودشان است. حداکثر سود آن‌ها با رفاه و آسایش نیروی کار، ناسازگار و متضاد است. سود بیش‌تر به معنای استثمار بیش‌تر است. بنابراین دست‌مزد کم‌تر سود بیش‌تری را به همراه دارد. سرعت بخشیدن به کار، یعنی تولید بیش‌تر در همان ساعت‌های کار و با همان دست‌مزد، و در نتیجه سود بیش‌تر. هدف از دست‌مزد کم‌تر برای کارگران پاره‌وقت نیز همین است. کوچک کردن شرکت یعنی اخراج دسته‌جمعی کارگران، هنگامی که بقیه کارگران سطح تولید را به همان میزان اولیه نگه می‌دارند و هدف از آن افزایش مقدار سود است. در این زمینه تبعیض نژادی بسیار سودمند است. به‌ویژه اگر به کاهش میزان دست‌مزدها بینجامد و سود بیش‌تری را برای شرکت به‌ارمغان بیاورد. ایدئولوژی تبعیض نژادی ریشه در اقتصاد مبتنی بر سردورزی دارد. تبعیض نژادی برای توجیه بی‌عدالتی در شغل، دست‌مزد، استخدام و ارتقاها طراحی شده است. دست‌مزد کم‌تر به کارگران زن، به معنی بهره‌کشی بیش‌تر از زنان است. استفاده از فن‌آوری پیشرفته در نظام سرمایه‌داری به معنی پرداخت دست‌مزد کم‌تر و کم کردن تعداد کارگران است.

دست‌مزد واقعی در طول بیست سال اخیر مدام کاهش یافته و این در حالی است که سود شرکت‌ها و کارفرمایان به میزان سرسام‌آوری افزایش یافته است. ما با وضعیتی روبه‌رو هستیم که دو سوم کل ثروت کشورمان تنها به ده درصد از ثروتمندان تعلق دارد.

خرید و فروش، سود را توزیع می‌کند ولی به وجود آورنده سود نیست. برای نمونه می‌توانید یک دوجین تخم‌مرغ را دو دلار بخرید و سپس آن‌ها را سه دلار بفروشید و در این معامله یک دلار سود ببرید. در این حالت خریدار و فروشنده، تخم‌مرغ‌های دو دلاری را با سه دلاری معاوضه کرده‌اند. در این معاوضه تولیدی انجام نگرفته و معاوضه ارزشی را ایجاد نکرده است.

پس این سود از کجا می‌آید؟

نیروی کار در فرایند تولید عامل اصلی است و نقش کلیدی دارد و این همان منبعی است که

سود شرکت‌ها را به وجود می‌آورد. کارفرمایان و مدیران چیزی به آن اضافه نمی‌کنند. سهامداران، سرمایه‌گذاران و مالکین چیزی به آن اضافه نمی‌کنند. ارزش نیروی کار با هزینه‌ای که برای باز تولید آن صرف می‌شود (غذا، مسکن، لباس و غیره) سنجیده می‌شود. نیروی کار تنها جنبه‌ای از فرایند تولید است که ارزشی بیش از ارزش خود به وجود می‌آورد و این یکی از بزرگ‌ترین کشف‌های مارکس بود. او زندگی خود را وقف آن کرد تا از طریق علمی نشان دهد و ثابت کند نیروی کار خود یک کالا است، و «نه تنها منبعی دارای ارزش است، بلکه ارزشی بیش از قیمت خود دارد».

به همین ترتیب شرکت یو. پی. اس نظام پرداخت دستمزد دوگانه‌ای را به منظور افزایش سود شرکت وضع کرد. ساختار دست‌مزد یو. پی. اس براساس ۱۲ دلار در ساعت برای ۶۵ درصد از نیروی کار و ۱۹ دلار در ساعت برای بقیه بود. اگرچه اکثر کارگران کم‌دست‌مزد همان کار را در همان ساعت‌ها انجام می‌دادند. کارگران با دست‌مزد کم منبع اصلی سود یک میلیارد دلاری بود که این شرکت در سال گذشته به جیب زد. طبقه کارگر بیش از دست‌مزدی که به او پرداخت می‌شود، تولید می‌کند. تفاوت بین ارزش افزوده‌ای که این طبقه به وجود می‌آورد و دست‌مزدی که به او پرداخت می‌شود، منبع تمامی سودها است و هرچه به کارگران کم‌تر پرداخت شود، سود بیش‌تری نصیب کارفرمایان می‌شود. برای نمونه اگر کارگری در یک ساعت کالایی به ارزش ۲۴ دلار تولید کند، ارزش کار یک ساعت او ۲۴ دلار است. حال اگر به این کارگر برای هر ساعت کار ۸ دلار پرداخت شود، ۱۶ دلار اضافی نصیب کارفرما می‌شود. در چنین حالتی میزان ارزش اضافی و یا سود دویست درصد است.

این روند دلیل محکمی برای اثبات درستی نظر مارکس مبنی بر آشتی‌ناپذیری منافع کار و سرمایه و قانون‌های مربوط به آن است. به همان میزان که سود افزایش پیدا می‌کند، در حقیقت دست‌مزدها پایین می‌آید و برعکس به همان میزان کاهش می‌یابد که دست‌مزدها بالا می‌رود.

مبارزه برای سود بیش‌تر

مبارزه طبقاتی، مبارزه‌ای بین کارگران و شرکت‌ها (مالکان ابزار تولید) است. کارگران و اتحادیه‌های آن‌ها برای به دست آوردن سهم بیش‌تر از سودی که خود به وجود آورنده‌ی آن هستند با اتحادیه‌های کارفرمایان در جنگ‌اند. مبارزه بین این دو طبقه‌ی مطرح، چارچوب تمامی فعالیت‌های سیاسی کشور ما را شکل می‌دهد. در این جا تناقض‌های دیگری نیز وجود دارد، عامل‌های دیگر که عرصه‌ی سیاسی را تحت تاثیر قرار می‌دهد، اما اساسی‌ترین و موثرترین آن‌ها مبارزه بین این دو طبقه اصلی در نظام سرمایه‌داری است. قدرت و سازمان‌های

دولتی و بیش‌ترین قانون‌هایی که به تصویب می‌رسد ابزار و وسایل این مبارزه هستند. جنگ ایدئولوژی - مبارزه برای تحت تاثیر قرار دادن افکار مردم - در حقیقت انعکاس مبارزه طبقاتی است. این مبارزه اساسی‌ترین تاثیر را بر تمامی گرایش‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فلسفی دارد.

اگر عادلانه قضاوت کنیم، کارگران باید علاوه بر دست‌مزدشان، تمام سود را به دست بیاورند، زیرا آن‌ها تنها کسانی‌اند که تمام محصولات و ثروت کشور را تولید کرده و به وجود می‌آورند.

تضاد سرمایه‌داری

تضاد بین ماهیت اجتماعی تولید و مالکیت بر ابزار تولید و سود حاصل از آن، عمده‌ترین و اساسی‌ترین تضاد سرمایه‌داری است. این تضاد تنها توسط طبقه‌ی کارگر، زمانی که این طبقه غیر قابل تحمل بودن نظام سرمایه‌داری را اعلام نماید، قابل حل است. به عبارت دیگر تنها با انتقال انقلابی قدرت و ثروت از طبقه‌ی سرمایه‌دار به طبقه‌ی کارگر و انتقال از نظام سرمایه‌داری به نظام سوسیالیستی، این تضاد قابل حل است. سوسیالیسم این تضاد را از بین می‌برد. در یک نظام سوسیالیستی همه در تولید و مصرف ارزش‌های کاری ایجاد شده مشارکت دارند.

تا زمانی که نظام سرمایه‌داری وجود دارد، مبارزه بین نیروی کار و سرمایه وجود خواهد داشت. پیامدهای این جنگ طبقاتی اجتناب‌ناپذیر است. سرمایه‌داری محکوم به نابودی است و جایگزینی نظام سوسیالیستی عاری از اختلاف طبقاتی به جای نظام سرمایه‌داری گریزناپذیر است. موفقیت و پیروزی‌های پی‌درپی که اتحادیه‌های کارگری در طول سال گذشته، به دست آوردند، پیشرفتی بزرگ به سوی روزهای روشن آینده است.

مرجع: Peoples weekly

ژوئیه‌شکله علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نوروزتان پیروز

به دوستان و آشنایان خود یک سال اشتراک

دانش و مردم و چیستی

را هدیه کنید